

## علل و آسیب‌هایی موجد طلاق توافقی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال سوم)  
شماره ۱۰ / زمستان ۱۳۹۶ / ص ۵۱-۶۳

یوسف محمدحسینی حاجی ور<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد حقوق ثبت اسناد و املاک آموزش عالی طلوع مهر قم

نویسنده مسئول:

یوسف محمدحسینی حاجی ور

### چکیده

از مهمترین آسیب‌های زندگی اجتماعی که آثار مخربی بر کيان خانوادگی می‌گذارد، جدایی زوجین است. طلاق از نظر استاد شهید مطهری طاعون قرن است، طولانی‌تر شدن اختلافات و مداخله در طلاق؛ نه تنها مشکل را حل نمی‌کند بلکه اوضاع را وخیم‌تر میکند، اما خلاصی از این آسیب اجتماعی، در قالب طلاق توافقی سنگینی‌وزنه خرابی و آسیب بیشتری را روانه اجتماع کرده است. طلاق توافقی از جمله راه‌حل‌های زوجین برای خروج از بن‌بست مشکلات موجود شده، این در حالی است که مشکل اساسی و بن‌بست اساسی در فرهنگ مردمی و آسیب‌هایی اجتماعی از قبل مشتمل بر عدم آماده‌سازی جامعه و عدم اخلاق حسنه نهفته است. علل رجوع مردم به سمت و سوی طلاق نگاه به حفظ آبرو و حیثیت، رفت و آمد کمتر به محکمه، زودتر رسیدن به حق و حقوق (مالی و غیرمالی)، کاهش درگیری و تنش‌ها؛ در جهت هماهنگ نمودن منافع فردی خود است.

## مقدمه

پرورش انسان ها، در جامعه نه تنها از حیث جسمی بلکه از جنبه روحانی هم بایستی تقویت و بازپروری و از اهداف متعالی یک دولت کشور برخوردار باشد؛ در جامعه کنونی ما آنچه که مهم و مشهود است؛ عدم توجه به حداقل حقوق اساسی مردم در عدم ارائه آموزش صحیح اصول اخلاقی و دینی و عدم آماده سازی دختران و پسران به عنوان مادران و پدران آینده مشکلات فراوانی را برای خانواده ها بوجود خواهد آورد. در کتب قانون دائماً از ریاست مرد و مردسالاری صحبت می کند اما غافل از آموزش و درک صحیح طرفین. در جامعه حاضر همه مردم برابر با قانون و از حقوق مساوی و برابر فرض میشوند؛ این موارد تغییرات عمده، در نگرش ها ایجاد نموده است و آثار منفی زیادی بر جامعه می گذارد. بهترین راه چاره توجه به حداقل اصول اخلاقی اولیه است که متأسفانه آموزش کامل داده نشده است و ورود انسان به مقطع ( ازدواج) زوج و زوجه را در بلاتکلیفی می گذارد که در این خصوص جاهل بودن نسبت به قانون و عالم بودن نسبت به عرف مزایای دارد و در مقابل آن هم معایبی دارد.

برای حل این قضیه به نظر بنده تنها راه چاره آموزش دختران و پسران نوجوان جهت ورود به دنیای ازدواج و تشکیل خانواده با بهره گیری از اصول اخلاقی و حفظ سنت هاست. قانون که مورد مطالعه قرار می گیرد از مردسالاری، سرپرست خانواده و ... صحبت می کند اما غافل از اینکه همین امر کوچک چگونه می تواند زن را سرخورده و از بین ببرد. از طرف دیگر در خود قانون از برابری حقوق سخن می گوید اما حق طلاق بر عهده مرد گذاشته شده است. این دوگانگی و پیامدهای منفی و مثبت که مسبب آن قانون می باشد موجب می گردد؛ تا طلاق به عنوان امری عادی جلوه کند و زوجین به جای پرورش بچه های خود، بهترین راه را جدایی بدانند و حتی با کوچکترین عدم رضایت از زندگی زناشویی، آنرا به عنوان راه حل اصلی و منطقی برگزینند. متأسفانه امروزه طلاق با موافقت زوجین یک امر همگیر و بسیار گسترده شده است و حتی در طلاق توافقی هر یک از زوجین حاضر است از منافع خود برای رسیدن هرچه آسان تر به طلاق عجولانه اقدام نماید. حتی قانون گزار سخت گیری دو طلاق دیگر ( به درخواست زوج و زوجه ) را روا نداشته و حتی داوری را از طلاق توافقی وارد ندانسته است، تغییر محیط زندگی، تغییر آموزش صحیح، عدم آموزش اصول اخلاقی، کم رنگی اعتقادات مذهبی و دینی، نگرش اقتصادی، انتظارات بیش از حد، رفتارهای مجرمانه، چشم هم چشمی و .... از جمله مهمترین عوامل اجتماعی است که موجب گردیده است زوجین به طلاق روی آورند.

## ۱- مفهوم طلاق

در این مبحث ابتدا به مفهوم طلاق در لغت و در اصطلاح فقهی و قانونی پرداخته و به قوانینی که در این باره وضع شده اند می رسیم و سپس به بررسی انواع و موجبات آن می پردازیم:

### ۱-۱- مفهوم طلاق در لغت و اصطلاح

طلاق در لغت به معنای ترک کردن، رها شدن، فرستادن و جدایی است، در لغتنامه دهخدا نیز طلاق به معنای رها شدن زن از عقد نکاح می باشد (دهخدا، ۳۰۴، ۱۳۵۴). در فرهنگ معین طلاق را رها شدن از قید نکاح می دانند (معین، ۳۴۶، ۱۳۷۹). و در اصطلاح عبارت است از

پایان دادن زناشویی به وسیله زن و شوهر و یا انحلال رسمی یک پیوند قلبی زناشویی در محضر رسمی. طلاق را اغلب راه حل رایج و قانونی عدم سازش زن شوهر، فرو ریختن ساختار زندگی خانوادگی، قطع پیوند زناشویی و اختلال ارتباط والدین با فرزندان تعریف کرده اند.

در فقه اسلامی و قانون مدنی از نظر ماهیت حقوقی، طلاق را ایقاعی دانسته اند که از سوی مرد یا نماینده او واقع می شود. و حتی در مواردی که طلاق بر اساس توافق زوجین و بصورت خلع و مبارات صورت می گیرد انرا یک عمل حقوقی یک جانبه ایقاعی به شمار آورده اند؛ و در تعریف گفته اند: طلاق عبارت است از زائل کردن قید ازدواج باللفظ مخصوص در حقوق امروز ایران طلاق ممکن است به حکم دادگاه یا بدون آن واقع شود اگرچه ثبت آن نیاز به حکم دادگاه یا گواهی عدم امکان سازش دارد و در تعریف آن می توان گفت طلاق عبارت است از انحلال نکاح دائم با شرایط و تشریفات خاص از جانب مرد یا نماینده او (صفایی و امامی، ۲۰۲، ۱۳۸۹). "انت- یا هده، یا فلافه یا زوجتی- طالق" صیغه طلاق نزد فقهای امامیه است (دادمرزی، ۱۳۹۲، ۴۹۶). به طور کلی طلاق سبب از هم گسیختگی خانواده ها می شود. خانواده مشتمل بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی و روانی و زیستی و اقتصادی است. کاهش تدریجی رضایت مندی اعضای خانواده ابتدا موجب گسیختگی میل قلبی و در نهایت گسیختگی حقوقی می شود.

#### ۱-۲- موجبات طلاق

حال که به مفهوم طلاق آشنا شدیم به بررسی موجبات طلاق می پردازیم. مقصود از موجبات یا اسباب طلاق چیزهایی است که مجوز طلاق به شمار آمده و به استناد آنها می تواند اقدام به طلاق کرد. در قانونی مدنی به پیروی از فقه امامیه اسباب و موجباتی به شرح زیر برای طلاق ذکر شده است:

اولاً، مرد می تواند برابر مقررات قانونی مدنی با مراجعه به دادگاه زن خود را طلاق می دهد (ماده اصلاحی، ۱۳۸۱). ثانیاً، زن در مواردی خاص برابر مواد ۱۱۲۹، ۱۰۲۹، ۱۱۳۰ قانون مدنی می تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند. ثالثاً، زوجین با شرایط خاصی می توانند درباره طلاق توافق کنند (مواد ۱۱۴۵، ۱۱۴۶). این گونه طلاق، خلع یا مبارات نامیده می شود (صفایی و امامی، ۲۰۵، ۱۳۸۹). بنابراین موجبات طلاق در حقوق فعلی ایران را می توان اراده مرد در طلاق، طلاق به درخواست زن و طلاق با توافق زوجین دانست (دادمرزی، ۵۰۱، ۱۳۹۲). علل و عوامل طلاق به ابعاد اجتماعی (اعتیاد، ازدواج تحمیلی، سنت های غلط، مداخله ی اطرافیان، میزان مهریه، سابقه دوستی قبل از ازدواج، خشونت های خانوادگی، اقتصادی، فقر، عدم پرداخت نفقه، تجمل گرایی، بیکاری مرد، استقلال خواهی مالی از طرف زنان و به روز شدن، مهریه ی زنان و ارتکاب جرایم متعدد) و فرهنگی (اختلافات مذهبی، اختلافات فرهنگی، خورد کردن شخصیت یا شخصیت کشی طرف زندگی، خیانت آشکار و پنهان زوجین، اهانت به مقدسات شرعی یکدیگر، تعصبات بی جای فرهنگی و غیره) فردی و شخصیتی (مصرف مواد مخدر، قمار بازی، ولگردی، ارتکاب جرم، اختلافات سنی، نازایی، بی اعتنائی به همسر، بیماری و اختلالات روانی و غیره) تقسیم می شود.

## ۲- مفهوم شناسی طلاق توافقی

همانطور که گفته شد طلاق به توافق طرفین یکی از انواع طلاق به شمار می رود. طلاق توافقی یا درخواست گواهی عدم امکان سازش است که در آن زوجین بر روی اصل طلاق، مهریه و در صورت داشتن فرزند بر روی حضانت فرزند توافق کرده و درخواست گواهی عدم سازش را می دهند. طلاق توافقی نوعی از طلاق است که در این نوشتار سعی کرده ایم به تبیین آن بپردازیم، به همین منظور در ابتدا به مفهوم آن پرداخته و سپس به تفاوت آن با طلاق غیرتوافقی رسیده و علل طلاق توافقی در دادگاه های خانواده را بررسی می کنیم. به علت ایجاد ناسازگاری ها و حقه و کینه در زوجین در طول زندگی و امکان مشکل تر شدن زندگی مشترک و ایجاد عسر و حرج، شارع شرایطی را برای جدایی و طلاق تشریع نموده است. حکم اولیه و طلاق در اختیار مرد است ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی و در موارد خاص به زن اجازه داده شده تا با مراجعه به محاکم تقاضای طلاق نماید م ۱۱۳۰ قانون مدنی گاه نیز توافق طرفین به عنوان مبنای طلاق قرار میگیرد. که در عرف مردم ابتدا به ساکن طلاق توافقی سپس در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ درماد قانون بصراحت لفظ طلاق توافقی بیان گردیده است.

حدود دو سوم از تقاضا برای طلاق، به صورت توافقی می باشد. علاوه بر این، مطالعات اکتشافی، نوعی تغییر نگرش در میان افراد متقاضی طلاق توافقی را نشان می دهد حاکی از رد طلاق به عنوان امری مذموم می باشد. هم چنین، این مطالعات نشان می دهد علاوه بر انجام سریع تر و آسان تر طلاق توافقی متقاضیان این طلاق از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند (ساروخانی و قاسم، ۹، ۱۳۹۲). به گونه ای که تمام این عوامل دست به همدیگر داده و سن ازدواج و تشکیل خانواده بالاتر رفته است. به طور کلی، به علت رسیدگی سریع و تغییر نگرش نسبت به طلاق با افزایش روز افزون این نوع طلاق هستیم. عمده ترین دلایل طلاق توافقی بشرح ذیل است :

عدم تشکیل پرونده های متعدد در دادگستری، جلوگیری از رجوع مکرر زوجین به محل دادگستری، دخالت طرفین در طلاق و صدور گواهی عدم امکان سازش، کوتاه بودن زمان صدور گواهی مربوط برای جواز اجرای طلاق، مدت دار بودن این گواهی در عرض ۳ ماه که سبب حفظ دوام عقد نکاح است. این در حالی که در حکم طلاق، که بدون مدت اجرایی است، هر لحظه دوام زندگی تهدید می شود و درگیری کمتر و کاهش تنش بین خانواده های زوجین، احتمال رجوع بیشتر زوجین در آینده به یکدیگر و تشکیل مجدد زندگی مشترک به دلیل مورد قبل و کاهش استرس فرزندان.

## ۲-۱- طلاق توافقی در قانون

طلاق به تقاضای مرد (تعسف) نهادهی است که در کشورهای عربی مانند سوریه و اردن که در آنها قوانین احوال شخصیه عموماً متأثر از فقه اهل سنت می باشد پیش بینی شده است و عبارت است از طلاق یکه بصورت خودسرانه و غیر موجه و برای اضرار به زوج در صدد طلاق است بر می آید، وجود چنین حقی نسبتاً مستقل ممکن است مورد سو استفاده قرار بگیرد نظر برخی از اساتید حقوق بر این امر است که حق طلاق بایستی صرفاً برعهده مرد باشد (دانش پژوه، ۱۳۹۶، ۲۴۴) مسئله طلاق یکی از مسائل آسیبهای اجتماعی کنونی مرتبط با خانواده است که پیوند قلبی را از بین می برد، که اهمیت فزاینده و ابعاد پیچیده ای یافته است. چرا که آمارها، نشان از افزایش چشمگیر طلاق می دهد. مشاهده صف های طویل افراد در انتظار نوبت طلاق در دادگاه های خانواده تأکیدی بر این مدعاست، اما آنچه در پژوهش ها بیش از هر چیز چشمگیر می باشد، نسبت بالای تعداد طلاق توافقی به غیر توافقی است.

از دیدگاه اسلام طلاق در دست مرد است و این موضوع مورد اجماع فقهای شیعه و سنی می باشد. طلاق توافقی در فقه امامیه و قانون مدنی قابل قبول نیست. بنابراین این مفهوم را در مفاهیم دیگری باید جستجو کرد.

اسلام نیز با وجود اینکه طلاق را، به صلاح خود نمی بیند و مغبوض می شمارد، اما در صورت ایجاد کراهت فی مابین زوجین طلاق و جدایی را اگر واجب نداند مستحب می شمارد. چنین ایده ای حتی در حقوق خانواده و محاکم کشورهای دیگر با نشانه های غیراسلامی نیز حاکم است. هرگاه محاکم در مورد اختلاف شواهدی حاکی از آن داشته باشند که ادامه ی رابطه زناشویی خلاف مصالح مشترک زن و شهر اساساً طلاق توافقی در این تقاضای طلاق را خواهد پذیرفت؛ ولو اینکه یکی از هر دو با طلاق موافق نباشند است. چنین حالتی کراهت میان زوجین و با موافقت و تفاهم آنها پدید می آید. پس آنچه به عنوان طلاق توافقی یکی از آسیب های اجتماعی در نظام حقوقی ایران مشهور است، یکی از اقسام طلاق بائن یعنی خلع و یا مبارات می باشد. با مذاقه در آرای صادره از محاکم خانواده آشکار می گردد که در تمامی طلاق های توافقی زوج اقدام به بذل مالی که اکثراً قسمتی یا همه ی مهریه می باشد می نماید و نتیجتاً قاضی محکمه اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش وفق ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب سال ۷۱ مجمع تشخیص مصلحت می نماید.

شاید بهترین شکل طلاق در شرایطی که زوجین انصاف را رعایت نمایند، همان طلاق توافقی باشد، زیرا معمولاً در طلاق توافقی از دعوا، جنجال، برخوردها، عکس العمل های نامعقول و اتلاف وقت بیشتر در پیچ و خم دادگاه ها جلوگیری می گردد و مسئله حضانت و ملاقات فرزندان با تفاهم بیشتری صورت گرفته و از این ناحیه لطمات کمتری متوجه فرزندان می گردد، ولی مطابق با نتایج مصاحبه این نکته محرز شد که همه زنانی که تحت عنوان طلاق توافقی جدا می شوند، خواهان طلاق نبوده اند و این نام براننده این گونه طلاق ها نیست و در برخی موارد از روی اجبار زنان تن به طلاق می دهند. نشانه تشخیص قلمداد کردن طلاق های توافقی از سوی برخی درصدی این طلاق ها را به محاق می برد. با توجه به تجارب موجود در سایر کشورها در اشخاص، دلایل افزایش خصوص نهاد خانواده و اهمیت این نهاد در جامعه ما افزایش آمار طلاق زنگ هشدار است که نباید با بی تفاوتی از کنار آن رد شد.

## ۲-۲- تفاوت علل طلاق توافقی و غیر توافقی

طلاق غیرتوافقی نوعی از طلاق است که در آن، در ارتباط با مهریه، شروط ضمن عقد، تعداد فرزندان مشترک و صلاحیت رسیدگی به این موارد و نیز اینکه اولویت حق حضانت با چه کسی است، باید بررسی هایی صورت گیرد. با بررسی موارد طلاق مهم ترین دلایل طلاق غیرتوافقی را اعتیاد و بیکاری شوهر بیان کرده، اما در طلاق توافقی مرد سالاری، فحاشی و ضرب و شتم را مهم ترین دلایل شمرده اند. در طلاق غیر توافقی، زنان مهم ترین دلایل خود را برای طلاق عدم مسئولیت پذیری شوهر، دخالت خانواده شوهر، تحت تأثیر خانواده بودن شوهر، قهرها و متارکه های طولانی مدت شوهر برشمرده اند. در مقابل مردان نیز مهم ترین دلایل خود را برای جدایی به صورت زیر بیان کرده اند: لجبازی، گستاخی و تحت فرمان نبودن زن، ناسازگاری، تنفر می دانند. در طلاق توافقی، زنان مهم ترین دلایل خود را برای طلاق شوهر، عدم توجه شوهر به خواسته ها و توقعات، دخالت خانواده شوهر، عدم تحمل شوهر و لجبازی برشمرده اند و در مقابل مردان نیز مهم ترین دلایل خود را برای جدایی به صورت زیر بیان کرده اند: عدم استقلال زن وابستگی به خانواده، عدم علاقه به همسر، دخالت اطرافیان و ناآگاهانه بودن ازدواج (ساروخانی و قاسمی، ۳۲، ۱۳۹۱). زوجین با بررسی اوضاع اجتماعی پیش آمده به عمق وخامت عمل پی می برند و

اهمیت زندگی را برای خود و اگر بچه داشته باشند بیشتر در نظر می گیرند بدون اینکه به رفتار و اصلاح فرد مقابل توجه نمایند. اگر فرزند داشته باشند آنچه که در این زندگی مورد توجه آنان است این است که کودک آنان اولین تجربیات خود را در زیستن با آنان می آموزد و قطعاً رفتار و کردار والدین بر بچه اثر خود را خواهد گذاشت بدیهی است که اگر در خانواده ای عشق و محبت حکمفرما باشد یا خصومت و نفرت بچه ها تحت آموزش همین موارد قرار خواهند گرفت. نظر مخالف هم در این خصوص وجود دارد که بیان می دارند متأسفانه در فرهنگ ما، نظیر بسیاری از کشورهای دیگر، هنوز بسیاری از پدرها و مادرها ماندن در خانواده های افسرده ساز و پرخاشگر و بزهکارپرور را بر خلاص کردن کودکان از فشارهای وصف ناپذیر بیش تر ترجیح می دهند و اسم آن را نیز فداکاری بزرگ در حق کودکان می گذارند. در حالی که در بسیاری از موارد نه تنها در حق کودکان هیچ کمکی نکرده اند بلکه همان قابلیت هایی را که می توانست در شرایطی پس از دوری از مشاجرات منجر به آرامش و رشد کودک شود، با ده ها مشکل و آسیب بر کودکان معاوضه کرده اند. علی رغم میزان بالای طلاق در ایران علت اصلی بسیاری از طلاق ها خلاص کردن فرزندان از زندگی نابه سامان نیست، بلکه این خود والدین هستند که دیگر نمی توانند بمانند و به خاطر خود می روند، همان طور که وقتی به دلایل مشکلات اقتصادی، ترس از حرف مردم، ضعف های شخصیتی، ترس از تنها ماندن در آینده و ده ها توجیه ریز و درشت دیگر، در همان زندگی می مانند و بیش ترین آسیب را نصیب کودکان خود می کنند. اگر در چنین مواقعی از آنان پرسیده شود: «چرا در این شرایط تنش زا می مانید؟» پاسخ می دهند: «به خاطر فرزندانمان مانده ایم» و وقتی به آن ها گفته می شود: «اگر ملاکتان در زندگی آرامش فرزندان تان است و اگر می خواهید کاری کنید که به نفع فرزندان تان باشد بهتر است طلاق بگیرید»، دیگر پاسخی ندارند

بنابراین می توان چنین بیان کرد: زانی که از شوهران خویش چه به صورت توافقی و چه به صورت غیرتوافقی جدا شده اند، مهم ترین دلیل را بی توجهی شوهر به همه ی ابعاد زندگی اجتماعی بیان کرده اند. البته مردانی که از همسران خویش جدا شده اند، چه به صورت توافقی و چه به صورت غیر توافقی، مهم ترین عامل را عدم فرمانبرداری همسر بیان کرده اند.

### ۳- بررسی علل طلاق توافقی در دادگاه خانواده

هرچند نظام فرهنگی ما بر پاسداری و مراقبت از کیان خانواده بنا شده است ولی نمی توان بر واقعیت ها و آسیب های اجتماعی چشم فرو بست. طلاق یک آسیب اجتماعی است که تبعات مخرب خود را دارد ولی آثار سوء خانواده های پرتنش و درگیر به مراتب بر فرزندان بیش تر از تأثیرات منفی طلاق است.

در این زمینه روزالیند بارنت، پژوهشگر استرالیایی، می گوید: فرزندان خانواده های پرتنش، مشکلات رفتاری بیش تری نسبت به فرزندان طلاق دارند، بنابراین اگر والدین به جای تلاش برای تداوم یک رابطه ی پر از درگیری و مشاجره اقدام به جدایی کنند و پس از جدایی رابطه ای سالم و مسالمت آمیز با همسر سابق خود که پدر یا مادر فرزندان است، برقرار کنند، خواهند توانست به سلامت روان فرزندان کمک کنند و باعث ارتقای شخصیت او شوند. وی افزود: در بسیاری از موارد، طلاق باعث رها شدن زنان از تنش و افسردگی می شود. مادران سالم تر و شاداب تر می توانند فرزندان را آرام تر و فعال تر تربیت کنند و موجب تقویت اعتماد به نفس در فرزندان شان شوند. شاداب تر شدن مادر و بازگشت وی به زندگی عادی باعث ایجاد انگیزه در فرزندان می شود و به آن ها اطمینان می دهد که در هر مرحله از زندگی می

توان با مشکلات مبارزه کرد و سربلند بیرون آمد در این مورد مهمترین علل طلاق توافقی بعنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی مولود چندین عامل که بعضی از آنها با ریشه های اجتماعی، فرهنگی، محیطی و نارسایی بیولوژیک و یا کمبود روانی جلوه گردن که بشرح ذیل بیان می گردد:

### ۱-۳- ازدواج های سست

بطور کلی هر نوع ازدواجی که هدف آن بر مقاصد عالی و ملکوتی ازدواج منطبق نباشد بر اساس مطالعات میدانی و تجربه علمی و عملی اثبات نموده است که نوعی تغییر نگرش در میان مردم بوجود آمده است باید در جهت کاهش علل وعوامل تغییر نگرش گام برداشت زمینه های اعتیاد و رفع بیکاری و آشنا نمودن خانواده با فرهنگ مخرب و منحط غرب وعوارض سوء سریال های ماهواره ای خصوصاً سریال های فارسی زبان و کنترل شبکه های اجتماعی وتهیه خوراک فرهنگی وهنری مناسب و متناسب با نیازهای روز جامعه، و آشنا نمودن خانواده با مسائل شرعی ونحوه پوشش مناسب در برخورد با نامحرم در درون خانواده وبیرون از خانواده ومحیط های اجتماعی می تواند تا حد زیادی از طلاق وفرو پاشی خانواده جلوگیری کنند.

رواج طلاق توافقی میان افراد این امر را نشان می دهد که حاکی از رد طلاق به عنوان امری مذموم می باشد. هم چنین، این مطالعات نشان می دهد علاوه بر انجام سریع تر و آسان تر طلاق توافقی متقاضیان نوع طلاق از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. یکی از عللی که سبب می گردد تا طلاق امری عادی جلوه کند تغییر نقش ها در خانواده که ناشی از آسیب های اجتماعی که منشا آن ابعاد فرهنگی و اقتصادی مخرب روز افزون است. تغییراتی که در نقش ها و فعالیت های اعضای خانواده در دوره جدید پدید آمده، در صورت عدم انعطاف پذیری افراد و تداوم برخی ویژگی های سنتی هم چون مرد سالاری غیرقابل انعطاف که نقش های متعدد زن را در نظر نمی گیرد، می تواند فشار مضاعفی بر زنان وارد آورد(موسوی، ۲۹۶، ۱۳۹۵). تغییر روش طلاق در جامعه از غیرتوافقی به روش توافقی خود نشان از گرایش جامعه به نوگرایی در همه عرصه ها دارد، به طور کلی نه تنها در جامعه ی ما بلکه در تمامی جوامع، خانواده در حال گذر از سنت، به سوی مدرن تر شدن است، در همین راستا با مشکلاتی روبه رو هستند. هر یک از زوجین دچار سردرگمی هستند به خصوص در صورتی که دیگری در این نوگرایی در دوران سنت باقیمانده و یا مقداری از آن را پذیرفته و دیگری ملأ دچار نوگرایی شده است.

تغییرات خانواده بر اثر تحولات اجتماعی ایجاد گردیده است، بنابراین این نوگرایی در شهرهای بزرگ و صنعتی تحت تأثیر عواملی چون افزایش آگاهی زنان، تحول در وضعیت ازدواج و زناشویی، افزایش سطح تحصیلی زنان و توسعه اشتغال آنها و ... شکل می گیرد. در نتیجه از جمله عواملی است که سبب شد چهره خانوادگی دگرگون شود. گذر از خانواده ی گسترده به خانواده هسته ای است که خانواده هسته ای، به تغییر از سنت به نوگرایی گرایش دارد. این تغییر نگرش نیاز به فرهنگ سازی دارد و تمامی متولیان امر فرهنگ باید دست به کار شوند واز تمام ظرفیت ها استفاده نمایند والگوهای مناسب را به جامعه معرفی نمایند. در عین این صورت وجود دیدگاه متفاوت موجب بالا رفتن سن ازدواج و تجرد گرایی را در پی خواهد داشت که از آسیب های بسیار مهمی که در این زمینه می توان نام برد پیر شدن جامعه و عدم تولد و تناسلی جامعه حکومتی است.

### ۳-۲- کمرنگ شدن مبانی اعتقادی و فرهنگی (روانی و اخلاقی)

وظیفه انسانی با حقوق و تکالیف همراه است، اگر فرزندی که تربیت اسلامی و انسانی ندارند و بدون پایبندی به دین، مذهب و خانواده تن به ازدواج سفید دهند و وقتی در زندگی و مسایل روزمره شان از قرآن و فرمایشات ائمه بهره نمی برند و همین امر آنها را دچار سردرگمی کرده است؛ در ازدواج سفید یکی از مهم ترین علل استقبال از این نوع رابطه تعهد نداشتن در برابر یکدیگر و ندادن مخارج زندگی است و هر فرد موظف به پرداخت هزینه های خود است و تعهد مالی کمتری دارند. هرچه جوامع به پیشرفت علم و صنعت می رسد و افراد در آن به تحصیلات عالی و اشتغال دست می یابند و خرید و فروش را از موارد اصلی زندگی خود قرار می دهند مبانی اعتقادی و مذهبی و فرهنگی آنها کمرنگ می شود. اگر انسان، خدا محور نشد، بدون شک خود محور خواهد شد و در ارتباط با زندگی مشترک تا زمانی که منافع و لذت جویی اش اقتضا کند می ماند. در غیر این صورت به اندک بهانه ای صحنه را ترک می کند و بساط کام جویی را در جایی دیگر پهن می کند.

برخی از اندیشمندان و متفکران بحران خانواده را ناشی از بحران های مذهبی می دانند و معتقدند مذهب به پایداری زندگی و صیانت خانواده در برابر اعتیاد به مواد مخدر و الکل کمک می کند. ایمان و مناسک مذهبی، میزان سوء استفاده از بزهکاری، طلاق و فروپاشی نظام خانواده و آشفتگی های کودکان، خودکشی روانی را کاهش و احساس بهزیستی را بهبود میدهد بنابراین، جهانی شدن با توسعه ی ارتباطات همراه است. گسترش ارتباطات معمولاً امروزه بسرعت توسط رسانه ها مانند ماهواره و اینترنت و تلویزیون انجام میگیرد. که با تقلید از فرهنگ غرب و مدرن بودن که از دنیای مجازی اقتباس میگردد و موجب می شود فرد با نادیده گرفتن فرهنگ، اصالت و بی توجهی به اهمیت سبک زندگی اسلامی و سنتی به سمت این نوع ازدواج کشیده شود و با تقلید از نوع زندگی غربی ها آینده و روان خود را دچار مشکل می سازد.

تبعات ازدواج سفید، برای دختران بسیار سخت تر است زیرا هیچ گونه تعهد، ضمانت و مسئولیتی در آن تعریف نشده است و پسران به راحتی می توانند رابطه خود را بر هم بزنند، بی آنکه ضرر و زبانی متوجه آن ها شود ولی در اینگونه روابط، دختران بیشترین ضربه را خواهند دید. با فراهم کردن زیرساخت های اجتماعی و اقتصادی راهکارهای مقابله با چنین پدیده ای آگاه سازی و اطلاع رسانی عمومی انجام داد که تأثیرگذارترین راه مقابله با هر ناهنجاری و رفتار غلط اخلاقی، اجتماعی، آگاه سازی و اطلاع رسانی دقیق و اقناع افکار عمومی است.

### ۳-۳- دخالت های اطرافیان

دخالت دیگران در زندگی زناشویی شکایتی شایع بین زوج های جوان است. این که والدین آنها و یا دیگر نزدیکان به خود اجازه می دهند در مورد زندگی مشترک آنها اظهار نظر و یا دخالت کنند. متأسفانه خانواده های ما دو کلمه ی دخالت و حمایت را با هم اشتباه می گیرند و به بهانه ی حمایت از فرزندان، در زندگی آنها دخالت می کنند. دخالت های بی جای اطرافیان در زندگی خانوادگی در ایران یکی از مشکلاتی است که مشکلات زناشویی و مشاجرات خانوادگی بین زوجین را افزایش می دهد، زیرا زوجین به دلیل عدم نشان دادن پرخاشگری علیه اطرافیان نسبت به همدیگر پرخاشگری نشان می دهند (ساروخانی، ۱۳۹۳، ۲۸) به طور کلی برخی از والدین هنوز به تمایز خویشتن از فرزندان ازدواج کرده خویش نرسیدند و آن ها را در تمام جنبه ها تکه ای از وجود خود می دانند و حتی به خود اجازه اظهار نظر درباره مسائل

زناشویی فرزندان‌شان می‌دهند (و آقاجانی، ۴۵۰، ۱۳۹۴). دخالت خانواده همسر، توافق خانواده‌های زن و مرد به جدایی، اجبار خانواده زن به گرفتن طلاق و سرکوفت آنان، دعوای خانوادگی خانواده‌های زن و مرد، تشویق فرزندان به طلاق مادر، توصیه خانواده شوهر به گرفتن طلاق به دلیل بی‌مبالاتی مرد و تحقیر وضعیت خانوادگی زن از سوی مادرشوهر از جمله موارد فشارهای هنجاری اطرافیان استو حتی در مواردی به دلیل اعتیاد مرد و به جهت آن که ارثیه رسیده به او از بین نرود و برای فرزندان‌ش باقی بماند، مادر همسر از او خواسته مهریه اش را درخواست نموده و سپس جدا شوند تا نوه هایش از بین نرود (موسوس، ۲۹۸، ۱۳۹۵).

در مواردی این فشارها به حدی اثرگذار است که با جود عدم اختلاف زوجین و علاقمندی آن‌ها به یکدیگر کارساز شده و منجر به طلاق توافقی گردیده است. برای رهایی از این مشکل اجتماعی نیاز هست زن و شوهر واقعه بیانه به موضوع بنگرند و چشم بر عوارض اجتماعی ببندند و بایک اطاعت کردن خود را رها کنند والا تغییر رفتار اجتماعی یک زن و شوهر ۶۰ الی ۷۰ ساله (پدر و مادر زوجین) کار بسیار مشکلی هست.

### ۳-۴- تفاوت افراد قبل و بعد از طلاق و تفاوت فرهنگی

وجود فاصله زیاد در معیارهای اخلاقی پذیرفته شده زوجین، یکی دیگر از عوامل تنش‌زا در زندگی محسوب می‌شود. بعضی افراد عصبانی، خشن، متکبر، خودخواه، از خود راضی و بعضی دارای روحیه ای گرم، خوش برخورد، متواضع و مردم دوست هستند. بنابراین توافق اخلاقی یکی از معیارهای اصلی انتخاب همسر به شمار می‌رود. افراد در آشنایی قبل از ازدواج ابتدا بیشتر سرمایه‌های فرهنگی، مدارک و مهارت‌های خود را به نمایش می‌گذارند و خیلی کمتر از عادت‌واره‌های خود صحبت می‌کنند و بیشتر در بخش سرمایه‌های فرهنگی به تفاهم می‌رسند و وقتی وارد دنیای واقعیت زندگی می‌شوند با عادات روزمره یکدیگر مواجه می‌شوند نه زندگی با مدارک و سرمایه‌های فرهنگی (بلوردی، ۴۵۰، ۱۳۹۴). افرادی با منزلت‌های اجتماعی متفاوت انتظارات متفاوتی از رفتار یکدیگر دارند. در چنین شرایط ناهماهنگی طلاق رخ می‌دهد (قاسمی و ساروخانی، ۱۳، ۱۳۹۳).

در اسلام نیز به ویژگی‌های فردی توجه شده است که هم کفو بودن اصطلاحی است که اسلام در این باره به کار می‌برد. در باره در اسلام آمده است اگر در مرحله همسرگزینی به سفارشات اسلام توجه نشود و تحت تأثیر احساسات، همسر آینده انتخاب شود، پس از گذشت مدتی با واقعیت‌های آن مواجه شده، در نتیجه سبب ناسازگاری و در نهایت طلاق می‌شود. هم کفو بودن صرفاً شامل مباحث اقتصادی، در بسیاری از موارد اختلافات فاحش فرهنگی و اجتماعی بیش از تفاوت‌های اقتصادی اثرگذار استو اختلاف طبقاتی خانواده‌ی زن و مرد، اختلاف فرهنگی زوجین و خانواده‌هایشان و اختلاف فکری و عقیدتی مسئله‌ای است که در ماه‌های اولیه زندگی بروز می‌کند و در صورت حاد بودن و تفاوت فاحش، به دلیل تحمل دشوار شرایط زوجین اقدام به طلاق توافقی می‌انجامد. در برخی خانواده‌ها، اختلاف سنی نیز به معضلی لاینحل منجر می‌شود، مثلاً اختلاف بیش از چندسال و یا کوچک تر بودن مرد از مرد می‌تواند در برخی بسترهای فرهنگی بسیار مثل ساز شود (موسوی، ۲۹۸، ۱۳۹۵).

سوء ظن و بدبینی نسبت به همسر نیز یکی از مشکلاتی است که در فرهنگ‌های دارای تعصبات مشکل ساز است زیرا هرچه از نظر فرهنگی تعصب نسبت به همسر بیشتر باشد به تبع آن بدبینی افزایش پیدا می‌کند (قاسمی و ساروخانی، ۳۰، ۱۳۹۳). برای رفع این مشکل اجتماعی

که ناشی از آسیب های اجتماعی می باشد بایستی این موارد رعایت گردد؛ در شروع زندگی مشترک، همسران نباید توقع تفاهم صددرصدی با یکدیگر را داشته باشند. دختر و پسر ها قبل از ازدواج باید مطمئن شوند که در حوزه اعتقادی، اختلاف نظر اساسی با یکدیگر ندارند. تفاوت سطح اقتصادی خانواده دختر و پسر باعث احساس ضعف یکی از زوجین در زندگی مشترک خواهد شد. تفاوت هرگونه علایق و سلیقه در شروع زندگی مشترک لزوماً به معنی نداشتن تفاهم نیست. اگر قبل از ازدواج جایگاه زن و مرد، برای دختر و پسر تبیین گردد و به دنبال آن به وظایف خود، آشنا گردند، بسیاری از اختلافات، زمینه ای برای ظهور پیدا نمی کنند، در نتیجه بیش از پیش محبت و مودت در بین آنان حکم فرما می شود و به دنبال آن خانواده ای با ثبات خواهند داشت.

### ۳-۵- عدم درک مرادوات جنسی

بدون شک وجود علائمی از مشکلات روانی نظیر استرس، نوسانات خلقی و نگرانی های روزمره یا بالینی یکی از زوجین یا هر دوی آنها می تواند باعث شکل گیری اختلالات جنسی، نارضایتی جنسی و فقدان تجربه لذتبخش جنسی برای آنها شود. رابطه جنسی در زندگی زناشویی علاوه بر رفع نیاز، محمل ارضای نیازهای روحی و عاطفی است که به موازات آن همدلی و رضایت زوجین را به دنبال دارد (بلوری و آقاجانی، ۱۳۹۴، ۴۵۱). به طور مطلق نیاز جنسی، نیازی غریزی است که بر اساس حکمت الهی در نوع بشر قرار داده شده است تا در ضمن بقای نسل، در اثر رفع آن نیاز توسط یکدیگر مهر و محبت در بین زن و شوهر، ماندگار و بیشتر شود. قرآن کریم به این مهم توجه کرده است و در شش مورد ارضای غریزه جنسی و در شش مورد دیگر انحراف جنسی را به ترتیب و رعایت تقدم مطرح می کند. عیاشی، خیانت و هوسرانی شوهر و ازدواج مجدد او نیز از جمله عواملی است که در این خصوص مطرح می شود و موجب نارضایتی از همسر می شود و مرادوات جنسی را کمرنگ می کند (موسوی، ۲۹۷، ۱۳۹۵).

آنچه می توان به زوجینی که دارای فشارهای روانی و عصبی هستند توصیه کرد این است که در مرحله اول به دنبال ارزیابی روانشناختی و سلامت روان خود باشند. به این ترتیب می توان مشکلات احتمالی را شناسایی و برای رفع آنها اقدام کرد. شناسایی منشأ فشارهای روانی و عصبی منشأ گرفته از آسیب های اجتماعی می تواند بسیار کمک کننده باشد چرا که نوع علت در تعیین نوع مداخله بسیار موثر است. وجود علائم اختلالات روانی در افراد، استرس های روزمره، استرس ناشی از تعارضات بین فردی و مشکلات ارتباطی و عاطفی زوجین هر کدام روند مداخلات را به سمتی سوق خواهد داد. تغییر سبک زندگی، ورزش کردن، داشتن برنامه های تفریحی، کم کردن بار شغلی، پرداختن به برنامه های خاص آموزشی و نظایر آن می تواند در بهبود زندگی زناشویی کمک کننده باشد و زوجین با چنین ویژگی هایی باید بدانند پرداختن به رابطه زناشویی، در شرایط نامطلوب و استرس زا ممکن است نه تنها مفید نباشد بلکه منجر به شکل گیری مشکلات بیشتری شود و فشار روانی - عصبی را افزایش دهد.

### ۳-۶- کمرنگ شدن اهمیت مسائل اقتصادی ازدواج و دیگر مسائل اقتصادی

بیشترین دلیلی که پرونده های خانوادگی برای طلاق دیده می شود، مشکلات اقتصادی است. این مشکلات که خود سبب ایجاد بیکاری، اعتیاد، ارتکاب سایر جرایم و غیره می شوند و باید به آنها توجه ویژه ای شود می توانند با طرح های راهبردی و نه ضربتی حل شوند، چرا که حوزه حقوق خانواده حوزه ای نیست که بتوان با قوانین خشک مسائل آن را درمان کرد. امروزه ازدواج دیگر به معنای قدیمی آن نیست، زنان

امروز رشد کرده و از این که در مقابل مردان قرار بگیرند هیچ ترسی ندارند. زنان شغل دارند و تحصیل کرده اند. به میان کشیدن مهریه بهانه ای برای گرفتن حقوقشان است. آنان دیگر حاضر به پذیرش هیچ سوء رفتاری از جانب شوهر نیستند. بچه داری و شوهر داری را که برای زنان تعریف می کردند، دیگر قبول ندارند و هویت جدید خود را از طریق تحصیلات و شغلی که درآمد کافی برای یک زندگی مستقل ایجاد کند، نشان می دهند. در جامعه امروز متأسفانه حس پدر شدن و مادر بودن به فرزندان ما در کنار تحصیلات آموزش داده نشده است، که این مهم می تواند آثار مخرب کننده بر زندگی آینده ما انسانها بگذارد. البته این استقلال زنان سبب می گردد که گاه مردان از دادن نفقه به زن سرباز زنند به طوری که زنان شاغل اذعان دارند که تمامی نیازمندی های خود و فرزندان شان را، خود تأمین می نمایند و همسران شان هیچ احساس مسئولیتی در این خصوص نمی کنند (موسوی، ۲۹۵، ۱۳۹۵). یکی دیگر از مسائل اقتصادی که عامل طلاق توافقی است کافی نبودن هزینه زندگی است. نداشتن مسکن، اشغال بیش از حد همسر در خارج از منزل، بیکاری شوهر، پایین بودن سطح درآمد شوهر. از دیگر عوامل اقتصادی مهم در تقاضای طلاق توافقی می باشد.

به دلیل افزایش پیشنهاد طلاق توافقی از سوی زنان به نظر می رسد یکی از دلایل این امر شرکت زنان در فعالیت های شغلی و اقتصادی است که آنها را از حمایت های مالی همسران بی نیاز و زمینه ساز مستقل بودن آنان را فراهم می نماید، بنابراین آنها به خاطر رهایی از مشکلات زنشویی روی به طلاق می آورند (قاسمس و ساروخانی، ۱۷، ۱۳۹۳). که برای رفع این موضوع نیاز است در برنامه ای مدون آموزشهای اخلاقی و فرهنگی به زوجین ارایه گردد. به طور کلی مهم شدن مسائل اقتصادی در طلاق از نوگرایی سرچشمه می گیرد، به طوری که پیامد این بازاندیشی، عدم پذیرش مرد به عنوان سرپرست خانواده از سوی زن و فرزندان است. البته این امر صرفاً توسط این گروه صورت نمی پذیرد، بلکه برخی از مردان نیز خود از داشتن چنین جایگاهی به لحاظ اقتصادی راضی نیستند و این اندیشه را سنتی تلقی می نمایند.

## برآیند

جدایی زوجین و باز نمودن پیوند قلبی در جامعه امروزی ما افزایش چشم گیری پیدا کرده است، این آسیب اجتماعی سبب شده تا بسیاری از مشکلاتی که زوجین با آن درگیر بودند حل شود، برای کاهش حجم طلاق های موافقی نیاز است آسیب های اجتماعی که مشتمل بر ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فردی و شخصیتی است مورد تعریف قرار گرفته شوند. اعم این مشکلات و آسیب ها بدین بیان است: نقایص در سیستم قانونی، مشکلات اقتصادی، عقب ماندگی های فرهنگی، نداشتن مهارت در برخورد با مسایل زندگی، کمبود اصول اخلاقی، عدم آمادگی دختران و بصران بعنوان والدین آینده، عقب ماندگی های فرهنگی (برخی رسوم کهنه)، نداشتن آگاهی و توانایی فردی برای انجام رفتار معقول و سازنده در زندگی مشترک و مشکلات اقتصادی. این عوامل می توانند تاثیر متقابل روی یکدیگر داشته باشند و یکی موجب رشد، تغییر یا تکامل دیگری شود. توجه به موارد بالا و اقدام در جهت رفع آنان کمک فراوان در جهت رفع طلاق نو ظهور توافقی خواهد نمود. در این مورد جهت رفع آسیب های اجتماعی نیاز مبرم است از نظر متخصصان علوم اجتماعی، روانشناسی، مشاوره حقوقی و علوم دینی استفاده گردد.

## منابع و مآخذ

- ۱ دادمرزی، سید مهدی، فقه استدلالی، چاپ ۲۴ انتشارات طه، قم ۱۳۹۲.
- ۲ دانش بژوه مصطفی فلسفه حقوق سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی انتشارات موسسه آموزشی و برورشی امام خمینی(ره) قم ۱۳۹۶
- ۳ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۴
- ۴ رفیعی، علی، طلاق و آثار آن، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۰
- ۵ ساروخانی و همکاران بررسی جامعه شناختی موثر بر افزایش طلاق توافقی در کرمانشاه، فصل نامه فرهنگی، سال هفتم، زمستان ۱۳۹۱
- ۶ صفایی، سید حسین و همکاران، مختصر حقوق خانواده، انتشارات دادگستر، تهران، زمستان ۱۳۸۰
- ۷ صادقی، زهرا، فقه و نفقه، انتشارات نورالسجاد، قم، ۱۳۹۴
- ۸ کاتوزیان، ناصر قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات نشر میزان، پاییز ۱۳۸۲
- ۹ قوامی، منوچهر، مجموعه اطلاعات قضایی، انتشارات بکا، قم ۱۳۸۳
- ۱۰ معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۹